

در میان واحدهای اندازه‌گیری باستانی به taçar یا çaratu اشاره شده که یک چهارم پارسنگ است (معادل مسافتی که فرد معمولاً در یک ساعت، پیاده طی می‌کند) است (بیوار^۲، ص ۶۳۰). در دوران ایلخانان (> ۶۵۴ - ۷۵۰) کاهش ارزش دینار و درهم دگرگونی‌هایی به وجود آورد که به بحران مالی در آن دوره انجامید. غازان‌خان (۶۹۴-۷۰۳)، هفتمین پادشاه ایلخانی، برای رفع مشکل واحد، مسکوکات و مقیاسات را در سرزمینهای تحت فرمانروایی خود یکسان کرد. به نوشته رشیدالدین فضل‌الله (ص ۲۸۹)، غازان دستور داد هر «من» به یک چهارم (به نام چهار یکی) و یک هشتم (به نام نیم چهار یکی) تقسیم شود. چون این کار از تبریز آغاز شد، به آن وزن تبریز می‌گفتند (فستانی، ج ۱، ص ۲۸۶).

در عصر صفوی (> ۹۰۶-۱۱۳۵)، در گزارشهای مالیاتها، از واحدهای اندازه‌گیری نام برده شده (به ادامه مقاله) و نیز در تذکره الملوک (میرزاسمیعان، ص ۵۱)، از شغل «رِزَّاع» دارالسلطنة اصفهان سخن گفته شده است. مؤمن استرآبادی، از نویسندگان دوره صفوی، قیراط را معادل چهار جو، و حبه را ربع قیراط، یعنی چهاریک (یک چهارم) آن، ذکر کرده (ص ۴۱۳) و در بیان دائق (به فارسی: دانگ) آورده که حبه یک هشتم و تسو چهاریک آن است (ص ۴۱۴).

محمد یوسف نوری (متوفی ۱۳۰۲) در مفاتیح الازواق (ج ۲، ص ۴۸۲)، در بیان چگونگی کاشت درخت انگور در فارس از طریق قلمه‌زدن، به حفره‌ای «به عمق یک ذرع و یک چهاریک» اشاره کرده است.

واژه چهاریک، علاوه بر منابع تاریخی، در رسائل اوزان و مقادیر نیز ذکر شده است، از جمله در اوزان المقادیر محمد مؤمن بن علی حسینی (کتابت در ۱۰۷۷، ش ۱۴۱۱/۲، کتابخانه مجلس شورای اسلامی) گ ۴۴، ر ۴۵، پ ۵۳؛ المقادیر و الاوزان (کتابت در قرن یازدهم و دوازدهم؛ ش ۳۴۵۵/۳۱۰، مجلس شورای اسلامی، گ ۴۲۵، ر) و رساله فی معرفة الاقدار و الاوزان و اللدائیر (نسخه ش ۴۶۱۴، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۴۱)، هر دو اثر محمدباقر بن محمدتقی مجلسی؛ و اوزان شرعی از محمدطاهر (به نسخه ش ۷۷۰۷، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران).

حبیب‌الله کاشانی (متوفی ۱۳۴۰)، در توضیح البیان فی تسهیل الاوزان صیرفی به مناسبت ذکر وزن قیراط در مکه گفته که وزن آن چهاریک از شش قسمت یک دینار بوده است (ص ۱۰۶، برای دیگر نمونه‌ها به ص ۸۶-۸۷، ۳۵۵-۳۵۶، ۳۸۰، ۴۲۵).

پرداخته است. این اثر به کوشش احسان یارشاطر با عنوان تفسیر سوره توحید، تفسیر سوره فلق و تفسیر سوره ناس در پنج رساله (تهران ۱۳۸۳ ش) به چاپ رسیده است و ابوالمکارم محمودبن محمد حسنی واعظ* نیز در تفسیری با نام بلابل القلاقل (تهران ۱۳۷۵ ش) به تفسیر آیاتی که با فعل امر قل آغاز می‌شود پرداخته است.

منابع: علاوه بر قرآن؛ آقابزرگ طهرانی؛ جلال آل‌احمد، دید و بازدید، تهران ۱۳۴۹ ش؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، چاپ محمدجعفر یاقعی و محمد مهدی ناصح، مشهد ۱۳۶۵، ۱۳۷۶ ش؛ عبدالرحمان بن احمد جامی، دیوان، چاپ اعلایان افصح زاد، تهران ۱۳۷۸ ش؛ حر عاملی؛ عبدعلی بن جمعه حویزی، تفسیر نورالتقلین، چاپ هاشم رسولی محلاتی، قم ۱۳۷۰ ش؛ محمدبن احمد خطیب شربینی، مغنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج، [قاهره] ۱۹۵۸/۱۳۷۷؛ عثمان بن محمد شطاد دمیاطی، اعانة الطالبین، بیروت ۱۴۱۸؛ محمود امیاری، تاریخ قرآن، تهران ۱۳۶۲ ش؛ مجتهدین آدم سنایی، حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، چاپ مدرس رضوی، تهران ۱۳۵۹ ش؛ سیوطی؛ طبرسی؛ سعیدبن هبه‌الله قطب راوندی، کتاب سلوة الحزین، المعروف بالدعوات، قم ۱۴۰۷؛ محمود کتیرائی، از خشت تا خشت، تهران ۱۳۷۸ ش؛ مجلسی؛ محمدحسین نظیری، دیوان، چاپ محمدرضا طاهری (حسرت)، تهران ۱۳۷۹ ش.

/ محمدعلی لسانی فشارکی /

چارک، واحدی در اندازه‌گیری وزن و طول. واژه چارک، در پهلوی به صورت çatrušvatak (فره‌وشی، ذیل واژه) و در بیشتر منابع به صورت چاریک (به برهان؛ شاد؛ دهخدا، ذیل «چاریک») و چهاریک (دهخدا؛ داعی‌الاسلام، ذیل «چهاریک») است. این واژه در دو مفهوم به کار رفته است: به معنای یک چهارم هر چیز (شاد؛ داعی‌الاسلام، همانجاها)؛ و به عنوان واحد اندازه‌گیری در مقیاس وزن، معادل یک چهارم من تبریز یا ده سیر و در مقیاس طول، معادل یک چهارم ذرع یا چهارگره (دهخدا؛ معین، ذیل واژه؛ هیتس^۱، ۱۹۷۰، ص ۱۱).

از مشتقات چارک، چارکه (chârke یا chârake)، چارکی یا چرکه است که برابر است با یک قسمت از چهار قسمت آجر یا خشت کامل (ستوده، ذیل «چارکه»؛ دیانت، ج ۱، ص ۱۶۹). همچنین چارکی واحدی برای بطری معمولاً شیشه‌ای با گنجایش حدود دو پختور (به روسی، واحد اندازه‌گیری حجم معادل ۱۲۵ میلی لیتر؛ پختول) یا پنج سیر بوده است (انوری، ذیل «چارکی»). در ترکی این اصطلاح به صورت چیرک çeyrek، به معنای یک چهارم ساعت یا سکه، به کار می‌رفته است (به فرهنگ ترکی^۲، ذیل "çeyrek").

1. Hinz

2. Türkçe sözlük

3. Bivar